

# طراحی الگوی همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، به منظور توسعه کارآفرینی پایدار

رضا شریعت<sup>۱</sup>

کمال سخدری<sup>۲</sup>

مریم لاریجانی<sup>۳</sup>

## چکیده

مشارکت و همسویی ذینفعان راه‌حلی نو جهت ایجاد نوآوری در خصوص پایداری زیست‌بوم کارآفرینی است. بر این اساس هدف این پژوهش طراحی الگوی مشارکت و همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، به منظور توسعه کارآفرینی پایدار است. این تحقیق از نظر ماهیت کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بوده است که تا رسیدن به حد اشباع نظری انجام مصاحبه ادامه داشته است این مهم با انجام ۲۰ مصاحبه محقق شده است. مشارکت کنندگان در این پژوهش، سیاستگذاران و مدیران سازمانی و نهادی در شهر تهران بوده‌اند. الگوی نهایی مشارکت ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی در توسعه کارآفرینی پایدار شامل «مولفه‌های چالش ساز در مشارکت ذینفعان»، «مکانیزم‌های موثر بر مشارکت ذینفعان»، «مکانیزم‌های پیشران»، «الزام و ضرورت‌ها» و پیامدهای متصور جهت توسعه کارآفرینی پایدار نیز مشخص شده است. امید است این نتایج بیش‌های ارزشمندی در رابطه با ارائه الگویی یکپارچه برای مشارکت ذینفعان برای توسعه کارآفرینی پایدار در محیط اکوسیستم کارآفرینی ایران ارائه نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: مهارت آموزی، مشارکت ذینفعان، ذینفعان نهادی، کارآفرینی پایدار

<sup>۱</sup> گروه کارآفرینی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران

<sup>۲</sup> گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> گروه آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

## مقدمه

در سالهای اخیر برخی فعالیتهای کارآفرینانه به تخریب محیط زیست منجر شده است و اثرات مخربی از جمله عدم پایداری در تولید و کاهش امنیت غذایی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی در پی فعالیتهای ناصحیح کارآفرینانه بوجود آمده است (سلیمانی، یعقوبی فرانی و کریمی، ۱۴۰۰). چنین اثرات مخربی بویژه در کشورهای در حال توسعه ای مانند کشور ایران مشهودتر هستند. بر اساس گزارش بررسی شاخصهای ملی و بین المللی سنجش عملکرد محیط زیستی و تحلیل جایگاه ایران (۱۴۰۱)، رتبه ی ایران در شاخص عملکرد زیست محیطی در سال ۲۰۲۲ افت قابل توجهی داشته است و این رتبه از ۶۷ در سال ۲۰۲۰ به ۱۳۳ در سال ۲۰۲۲ تنزل یافته است. همچنین در شاخص هایی همانند نرخ رشد شدت گازهای گلخانه ای کشور ایران رتبه نامناسب ۱۷۱ را کسب نموده است. در شاخص عملکرد محیط زیستی کشور ایران رتبه نامناسبی را کسب نمودند (گزارش شاخصهای ملی و بین المللی سنجش عملکرد محیط زیستی و تحلیل جایگاه ایران، ۱۴۰۱). با توجه به جایگاه پایین کشور ایران در شاخص های پایداری و توسعه پایدار و همچنین اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی پایدار به منزله عنصر اساسی توسعه کشورها در دنیای امروزی (تران- پپیز و همکاران، ۲۰۲۰)، چگونگی توسعه کارآفرینی پایدار به عنوان دغدغه ای مهم بویژه برای کشورهای در حال توسعه قابل طرح می باشد. «مهارت آموزی» حلقه ی مفقوده ای است که می تواند بینش، دانش و مهارت لازم را جهت توسعه ی کارآفرینی پایدار در اختیار عموم افراد جامعه قرار دهد. بدین منظور لازم است تا بین ذینفعان اصلی در سطح نهادی، همسویی ایجاد شود و با تعریف چشم انداز و اهداف مشترک؛ زمینه ی توسعه ی اکوسیستم کارآفرینی پایدار فراهم آید.

با توجه به افزایش روز افزون جمعیت شهری طی سالهای اخیر به همراه ایجاد مراکز جمعیتی و توسعه مناطق شهری براساس برنامه جامع و کلان (آمایش سرزمین) و از سویی توسعه مناسبات زندگی ماشینی و مدرن که نتیجه اش گسترش مرزهای جغرافیایی سرمایه داری بوده، باعث شده که مکانها بیش از هر زمان دیگر تحت فشار قرار گیرند و بر این اساس پرداختن به این مقوله اهمیت افزون یافته است. (محسنی ازمکی و همکاران، ۱۴۰۰). مدیریت درست این

<sup>۱</sup>Terán-Yépez et al.

حوزه به مشارکت حداکثری ذینفعان مختلف این حوزه بستگی دارد (آپرلیا، تزو کا و اسپارگارن، ۲۰۱۳) و طراحی یک الگو جهت مشارکت ذینفعان مختلف در راستای توسعه کارآفرینی پایدار مسئله حائز اهمیت است.

از آنجا که نهادها با ایجاد یک ساختار با ثبات برای کنش متقابل انسان ها، عدم نا اطمینانی را از سیستم کاهش داده و موجب افزایش رقابت در بازار می شوند و از سویی دیگر فقدان نهاد های مناسب و کاهش رقابت در سیستم منجر به افزایش هزینه های مبادلاتی می گردد (سخدری و بختیاری، ۱۳۹۷)؛ اهمیت و همسویی نهاد ها در کاهش هزینه های مبادلاتی و افزایش سود دهی تولید و بهبود عملکرد اقتصادی برای رسیدن به رشد اقتصادی مناسب پر رنگ می کند. ذینفعان مختلفی درگیر مدیریت و توسعه کارآفرینی پایدار هستند. اما از منظر سیاسی- اجتماعی، این گروه های ذینفع به دلیل ظرفیتهای و قدرت تصمیم گیری متفاوت، منافع متفاوتی را دنبال می کنند و در عین حال به طور قابل توجهی به هم مرتبط هستند (دومینگوئز گومز و گونزالس گومز، ۲۰۱۷). سیاست های دولت می تواند از کارآفرینی پایدار، به ویژه در شرکت های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه حمایت نماید یا مانع توسعه کارآفرینی پایدار شوند (الامین، لیل فیلهو و کبیر، ۲۰۱۹؛ لاوال، ورلو و آیواده، ۲۰۱۶). بعنوان مثال سازمان فنی و حرفه ای کشور بعنوان یک نهاد آموزشی مهارت محور؛ نقش مهمی در ترسیم چشم انداز مشاغل آینده و توسعه ی کارآفرینی پایدار بر عهده دارد.

دگردیسی در آموزش و بطور خاص دگردیسی فناورانه در عرصه آموزش و مهارت آموزی، همسو با تحولات دم افزا در جهان، لزوم توجه بیش از پیش به رویکرد های نوین مهارت آموزی را برجسته نموده است. (حسینی نیا و بختیاری، ۱۴۰۲) با این وجود در ادبیات فعلی دیدگاهی منجسمی وجود ندارد که به نقش همسویی ذینفعان در توسعه کارآفرینی پایدار بپردازد. فقدان وجود رویکرد اکوسیستمی که در عین جامعیت بتواند به زمینه و شرایط بومی و منطقه ای توجه نماید، در مطالعات صورت گرفته یکی از ضعف های عمده در ادبیات می باشد. مطالعه نقش ذینفعان در توسعه کارآفرینی پایدار در زمینه و بافت اکوسیستم کارآفرینی

<sup>۱</sup>Aprilia, Tezuka & Spaargaren

<sup>۲</sup>Domínguez-Gómez and González-Gómez

<sup>۳</sup>Al-Amin, Leal Filho, and Kabir

<sup>۴</sup>Lawal, Worlu, and Ayoade

ایران با توجه به تاکید آیزنبرگ (۲۰۱۱)، بر یکتا بودن هر اکوسیستم کارآفرینی موبد این است که بایستی با رویکرد سیستمی به مطالعه ی حوزه مورد بررسی پرداخته شود. متأسفانه تحقیقات بسیار اندکی در زمینه مشارکت ذینفعان در توسعه کارآفرینی پایدار در بخش بازیافت صورت گرفته است. بویژه اینکه مدل های موجود در ادبیات از توضیح مسئله با رویکرد منطقه‌ای و بومی اکوسیستمی ناتوان هستند. موضوع مشارکت و همسویی ذینفعان از منظر زیرنظام های اکوسیستم کارآفرینی برای توسعه کارآفرینی پایدار کمتر در ادبیات به خصوص زمینه و بافت ایران مورد توجه قرار گرفته شده است. لذا توسعه مدل مشارکت ذینفعان در توسعه کارآفرینی پایدار نیازمند توجه به اکوسیستم کارآفرینانه ایران است بر همین اساس شکاف های نظری موجود عبارت اند از:

- آمادگی زیر نظام های سیاسی، مالی، بازار، پشتیبانی، نیروی انسانی و فرهنگی اکوسیستم کارآفرینی برای مشارکت ذینفعان جهت افزایش مهارت آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار
- مکانیزم های شناسایی ذینفعان جهت افزایش مهارت آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار
- مکانیزم های جذب ذینفعان جهت افزایش مهارت آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار
- مکانیزم های هماهنگی ذینفعان جهت افزایش مهارت آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار
- مکانیزم های پایش ذینفعان جهت افزایش مهارت آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار

بر این اساس سوال اصلی تحقیق به ترتیب زیر مطرح می شود:

**الگوی همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، به منظور توسعه کارآفرینی پایدار کدام است؟**

### مبانی نظری و پیشینه ی پژوهش

کارآفرینی پایدار بر حفظ طبیعت، حمایت از حیات و جامعه در تعقیب فرصت‌های درک شده برای به وجود آوردن محصولات، فرآیندها و خدمات آتی منفعت محور متمرکز است، جایکه سود به طور گسترده شامل منافع اقتصادی و غیراقتصادی برای افراد، اقتصاد و جامعه می‌شود (شپرد و پاتزلت، ۲۰۱۱). همانند کارآفرینان اجتماعی، محققان معتقدند که کارآفرینان پایدار نیز به دنبال دستیابی به اهداف متعدد هستند (دکلرک و ورونوف، ۲۰۱۱). فراتر از رفتار رانت‌طلبی که نظریه‌های کارآفرینی برگرفته از علم اقتصاد به کارآفرینان نسبت داده‌اند. با اینحال، تفاوت‌های قابل توجهی بین کارآفرینان اجتماعی و پایدار وجود دارد. این رویکرد به سرمایه‌گذاری در نهایت امکان توسعه سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر قابل دوام را فراهم می‌آورد که هم دلایل حفاظت از محیط زیست و هم عدالت اجتماعی را پیش می‌برد (مونوز و دیموف، ۲۰۱۵). شپرد و پاتزلت (۲۰۱۱)، معتقدند کارآفرینی پایدار مستلزم حفظ و توسعه شش عنصر است: سه ساختار که مبتنی بر ادبیات توسعه پایدار هستند شامل حفظ طبیعت، سیستم‌های حمایت از زندگی و جوامع. و سه ساختار مبتنی بر ادبیات کارآفرینی شامل توسعه دستاوردهای اقتصادی، سودهای غیراقتصادی برای افراد و سودهای غیراقتصادی برای جامعه (مونوز و کوهن، ۲۰۱۸).

در ادامه به برخی تعاریف توسعه کارآفرینی پایدار پرداخته شده است:

جدول (۱) برخی تعاریف و مفاهیم مربوط به توسعه کارآفرینی پایدار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. De Clercq & Voronov

<sup>۲</sup>. Muñoz & Dimov

نویسنده - سال	تعاریف	رویکرد
کراسند وریک <sup>۱</sup> ۲۰۰۵	«تعهد مستمر کسب و کارها به رفتار اخلاقی و کمک به توسعه اقتصادی و در عین حال بهبود کیفیت زندگی نیروی کار، خانواده‌های آنها، جامعه محلی و جهانی و همچنین نسل‌های آینده».	رویکرد مدیریت پایدار
دین و مک مولن <sup>۲</sup> ۲۰۰۷	«فرآیند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی موجود در شکست‌های بازار که پایداری را از بین می‌برد، از جمله مواردی که با محیط زیست مرتبط هستند».	رویکرد فرآیند کارآفرینی
کوهن و وین <sup>۳</sup> ۲۰۰۷	«بررسی اینکه چگونگی فرصت‌هایی برای ایجاد کالاها و خدمات آینده توسط چه کسی و با چه پیامدهای اقتصادی، روانی، اجتماعی و محیط‌زیستی کشف، ایجاد و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند».	رویکرد فرآیند کارآفرینی
کاتسیکیس و کیرگیدو <sup>۴</sup> ۲۰۰۷	«فرآیند غایت‌شناختی با هدف دستیابی به توسعه پایدار با کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و خلق ارزش‌هایی که موجب رونق اقتصادی، انسجام اجتماعی و حفاظت از محیط زیست می‌شود».	رویکرد فرآیند کارآفرینی
شالنگر و واگنر <sup>۵</sup> ۲۰۱۱	«شکل نوآورانه، بازارمحور و شخصیت‌محور برای ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی با استفاده از نوآوری‌های سازمانی یا بازاری سودمند از نظر محیطی یا اجتماعی».	رویکرد مدیریت پایدار
شپرد و پاتزلت ۲۰۱۱	تمرکز بر حفظ طبیعت، حمایت از زندگی، و جامعه در تعقیب فرصت‌های درک شده برای به وجود آوردن محصولات، فرآیندها و خدمات آینده برای منفعت است، جایی که سود به طور گسترده شامل منافع اقتصادی و غیر اقتصادی برای افراد می‌شود، اقتصاد و جامعه».	رویکرد مدیریت پایدار

<sup>۱</sup> Crals and Vereeck

<sup>۲</sup> Dean & McMullen

<sup>۳</sup> Cohen & Winn

<sup>۴</sup> KATSIKIS and KYRGIDOU

<sup>۵</sup> Schaltegger & Wagner

موضوع ذینفعان یکی از دغدغه‌های مدیران و محققان در حوزه‌های مختلف است. در سال ۱۹۶۳ برای اولین بار این مفهوم در انستیتو پژوهش‌های استنفورد مطرح شد و محققان به تعریف مفهوم ذینفعان از دیدگاه خود پرداخته‌اند (فریمن، ۱۹۸۴). بعد از آن موضوع ذینفعان از سه بعد در ادبیات توسعه یافت: ۱) جنبه توصیفی - تجربی: توضیح مشخصات و رفتارهای خاص سازمان در این بعد؛ ۲) بعد ابزاری: مشخص سازی وجود یا عدم وجود رابطه بین مدیریت ذینفعان و تحقق اهداف مسلم سازمان؛ ۳) بعد هنجاری: تعبیر و تفسیر وظایف سازمان. تئوری مشارکت ذینفعان به عنوان ابزار مدیریتی در دهه ۱۹۳۰ در ایالات متحده آغاز گردید و در واقع منشا آن رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹ در این کشور بود. بر اساس تئوری مشارکت ذینفعان، تمامی شرکتها، مدیران و افرادی که تصمیمات اتخاذ شده بر زندگی آنها اثر می‌گذارد، باید متناسب با این تصمیمات نقشی را ایفا نمایند (ارنادوتیر، ۲۰۰۲). در سال‌های گذشته، تئوری ذینفعان در ترکیب با پایداری در ادبیات دانشگاهی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است (زاورا و دیمبزیک، ۲۰۱۴). به ویژه، ذینفعان به طور فزاینده‌ای به عنوان شرکای ایجاد نوآوری در راستای پایداری محیط‌زیستی در نظر گرفته شده‌اند (اسکودرو و گوگینس، ۲۰۱۲؛ پدرسین و پدرسین، ۲۰۱۳؛ استریبل و اسزکلی، ۲۰۱۳). بر این اساس در پژوهش حاضر به دنبال بررسی بیشتر مشارکت ذینفعان جهت توسعه کارآفرینی پایداری هستیم. در ادامه به برخی تحقیقات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود: محسنی ارمکی، خرم نژادیان، عاصمی زواره، و بهبهانی نیا (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «شناسایی ذینفعان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری» مطرح نمودند که امروزه با افزایش تولید پسماند در جوامع شهری، سیستم مدیریت پسماند می‌تواند به عنوان بخشی از سیستم‌های جامع مدیریت به حساب آید. این سیستم شامل ساختار سازمانی، فعالیت‌های طرح‌ریزی، تعریف مسئولیت‌ها، تعیین روش‌ها و در اختیارگیری منابع لازم برای تهیه، اجرا، بازنگری و حفظ خط‌مشی زیست محیطی است.

<sup>۱</sup>Árnadóttir  
<sup>۲</sup>Escudero and Googins  
<sup>۳</sup>Pedersen and Pedersen  
<sup>۴</sup>Szekely and Strebek

این مطالعه با هدف شناسایی ذینفعان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مدیریت پسماند انجام گرفت. در تحقیقی دیگر سعیدی مهر، انوری و کریمیان بستانی (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل نقش مشارکت در مدیریت پسماند مناطق پیراشهری زاهدان» مطرح نمودند که رشد شتابان جمعیت شهری و آلودگی‌های زیست‌محیطی، از جمله مسائل حائز اهمیتی است که امروزه نظر بسیاری از مدیران و برنامه‌ریزان شهری را به خود معطوف کرده است. در این میان چگونگی جمع‌آوری و حمل زباله و بازیافت آن در مناطق پیراشهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا مشارکت مردمی در این زمینه می‌تواند آثار مثبت اقتصادی و زیست‌محیطی فراوانی به همراه داشته باشد. نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های، ابعاد مشارکت نشان داد: در بعد مشارکت در تصمیم‌گیری (مشارکت در ارائه برنامه‌های تفکیک زباله از مبدأ)، در بعد مشارکت یدی (مشارکت در اطلاع‌رسانی معضلات زیست‌محیطی و حفظ محیط‌زیست) و در بعد مشارکت مالی (تحويل زباله‌های تفکیکی به‌صورت رایگان) در اولویت قرار دارند. نتایج مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد مشارکت (تصمیم‌گیری، یدی و مالی) و مدیریت پسماند مناطق پیراشهری، نشان داد که بین تمامی متغیرهای مستقل (ابعاد مشارکت) با مدیریت پسماند مناطق پیراشهری زاهدان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مشارکت در مدیریت پسماند در مناطق پیراشهری زاهدان مؤثر می‌باشد. در نهایت به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر در مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند در مناطق پیراشهری زاهدان از مدل PUA، استفاده گردید. در تحقیقی دیگر یوسفی و شفیع‌ی ثابت (۱۴۰۰)، به توانمندسازی ساختاری ذینفعان روستایی برای مشارکت در فراگرد کارآفرینی با نقش میانجی اثرات ادراک شده از توسعه کارآفرینی پرداختند. به‌واکوی اثرات توانمندسازی ساختاری ذی‌نفعان روستایی برای مشارکت آنان در فراگرد کارآفرینی با نقش میانجی اثرات ادراک شده از توسعه کارآفرینی در شهرستان طارم پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد، توانمندسازی ساختاری ذی‌نفعان روستایی با نقش میانجی اثرات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی ادراک شده از توسعه کارآفرینی بر مشارکت آنان در دو بعد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی کارآفرینی تاثیر مثبت و معنادار داشته است. شیخ بگلو، تیمورنژاد، گیوریان، عباس‌زاده سهرن (۱۳۹۹)، نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارائه مدل مشارکت ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی در سازمان



غذا و داروی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» به تدوین و اجرای بهینه خط مشی ها و سیاستهای عمومی تنها از طریق شناسایی و مشارکت درست ذینفعان در تدوین خطمشیهای عمومی پرداختند. هدف اصلی این تحقیق ارائه مدل مشارکت ذینفعان در خط مشی گذاری عمومی در نظام سلامت، به طور خاص سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت بوده است. مدل نهایی، نمایانگر سطوح چارچوب مشارکت ذینفعان در خطمشی گذاری عمومی، شامل عوامل بسترساز مشارکت ذی نفعان، شرایط تعامل با ذینفعان، عوامل اثرگذاری ذینفعان، شرایط عملیاتی مشارکت ذینفعان و نتایج و پیامدهای مشارکت ذینفعان است. کوجالا و همکاران (۲۰۲۲)، در مطالعه ای با عنوان «مشارکت ذینفعان: گذشته، حال و آینده» مطرح نمودند که مشارکت ذینفعان به ساختاری پرکاربرد و در عین حال نامشخص در تحقیقات حوزه کسب و کار و جامعه تبدیل شده است. ادبیات فاقد درک یکپارچه از اصول مشارکت ذینفعان است و استفاده پراکنده از سازه مشارکت ذینفعان، توسعه و مشروعیت آن را به چالش می کشد. هدف از این مطالعه، شفاف سازی ساختار مشارکت ذینفعان برای آشکارسازی پتانسیل کامل بررسی مشارکت ذینفعان است. بر اساس نتایج تحقیق مشخص شده است تحقیقات آینده ی مشارکت ذینفعان باید زیربنای فلسفی جدیدی را بررسی کند. بعلاوه با توسعه روش های جدید اندازه گیری، تحقیقات مشارکت ذینفعان می تواند دقت نظری و ارتباط عملی آن را افزایش دهد. تران- پیپز و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه ای با عنوان «کارآفرینی پایدار: مرور تکامل و روندهای جدید کارآفرینی پایدار» مطرح نمودند که کارآفرینی به عنوان مکانیزمی برای ایجاد مزایای اقتصادی شناخته شده است. با این حال، به دلیل ظهور مفهوم توسعه پایدار به عنوان یک موضوع ضروری که سیستم جهانی کنونی را تحت تأثیر قرار داده است، کارآفرینی نباید تنها بر اساس تولید ثروت باشد. این امر باعث ظهور مفهوم کارآفرینی پایدار شد که در دهه گذشته به سرعت مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این مطالعه ارائه تجزیه و تحلیل علم سنجی از وضعیت حوزه کارآفرینی پایدار، شناسایی موضوعات اصلی از تحقیقات موجود و ایجاد چالش های آینده جهت مطالعه است. نتایج بر اساس نمونه ای از ۲۱۶ مقاله نشان می دهد که تعداد مقالات و استنادات منتشر شده به ویژه در دو سال گذشته به طور مداوم افزایش یافته است. نگوین و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه ای با عنوان «ادراکات ذینفعان از کارآفرینی پایدار در زمینه اقتصاد

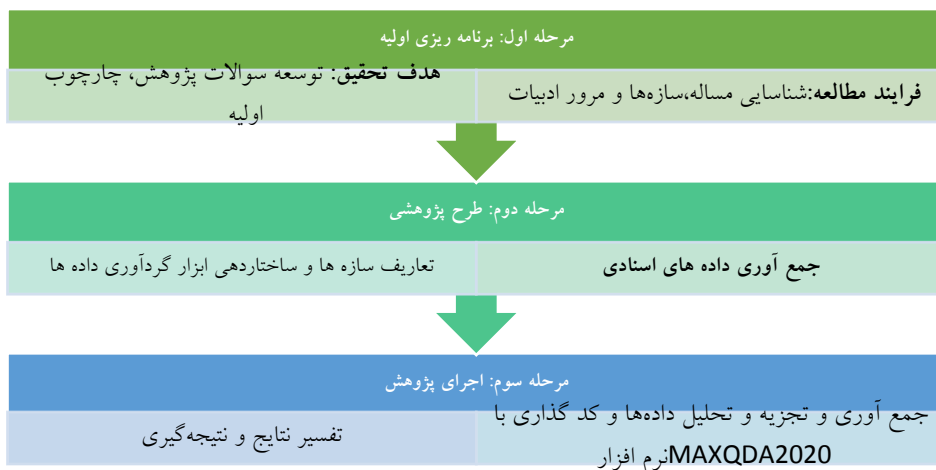
در حال توسعه» پایداری فرهنگی و ارتباط متقابل بین چهار ستون پایداری (محیط زیست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ) را بررسی نموده اند. بنابراین، به مفهوم جامع تری از کارآفرینی پایدار در بخش گردشگری کمک نموده است. علاوه بر این، این مطالعه نشان داد که ادراک ذینفعان از کارآفرینی پایدار تحت تأثیر سطوح توسعه گردشگری است. در این مطالعه نویسندگان مطرح نمودند که تنها تعداد کمی از مطالعات، جریان تحقیق در مورد ادراک ذینفعان را با پیوند دادن آن با سطوح توسعه گردشگری و نتیجه گیری اینکه سطوح مختلف توسعه گردشگری بر ادراک ذینفعان تأثیر می گذارد، بسط داده اند. برخی از مطالعات در کشورهای توسعه یافته نشان داده است که توسعه گردشگری به اثرات مثبت اجتماعی-اقتصادی و محیط‌زیستی منجر نشده است. به همین ترتیب، توسعه گردشگری در لتونی (مکان تحقیق) منجر به اثرات منفی اقتصادی و زیست‌محیطی شده است، اگرچه اثرات اجتماعی مثبت‌تر پنداشته شده اند. با این حال، مطالعات موجود تنها بر یک گروه از ذینفعان، طرف عرضه (ساکنان)، با استفاده از روش‌های تحقیق کمی (عمدتاً از طریق نظرسنجی) تمرکز نموده اند. این مطالعات راه را برای مطالعات آینده جهت بررسی ادراکات سایر گروه‌های ذینفع در رابطه با سطوح توسعه گردشگری با اتخاذ یک رویکرد کیفی هموار نموده است تا بتوان بینش عمیق تری از این پدیده به دست آورد. گفتمان گردشگری فعلی بر چهار گروه اصلی ذینفعان گردشگری متمرکز است: مأمورین دولتی، کارآفرینان، ساکنان (طرف عرضه) و گردشگران (طرف تقاضا). در تحقیقی دیگر بندنارسکا-اولینچک<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) به دنبال شناسایی جهت‌ها و دامنه مشارکت ساکنان در مفهوم توسعه پایدار شهر و مفهوم شهر هوشمند با در نظر گرفتن شرایط ملی و بین‌المللی بر اساس رویه‌های Wroclaw در سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۸ بوده اند. نتایج مطالعه نشان می دهد که در مورد توسعه فعالیت های شهر هوشمند و توسعه شهر پایدار که توسط وروتسواف انجام شده است، می توان دو رویکرد متفاوت را برای مشارکت ساکنان در فعالیت های شهر شناسایی نمود. نتایج این مطالعه نشان داد که مشارکت عمومی یکی از عناصر مهم توسعه پایدار شهر و همچنین بخش مهمی از مفهوم شهر هوشمند است که ساکنان را درگیر فرآیند هوشمندسازی مدیریت مشترک می کند. مشارکت عمومی با استفاده از بودجه مشارکتی به عنوان یکی از «ابزارها» در سال‌های اخیر به عنصر بسیار مهمی در فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه فعالیت‌هایی با هدف ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهری در

کشورهای در حال توسعه و همچنین در کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است. خود مشارکت عمومی ممکن است شامل طیف بسیار وسیعی از فعالیت‌های متمرکز بر ذینفعان مختلف (یعنی ساکنان، غیرانتفاعی، مشاغل) و نقش‌های آنها (به عنوان مثال، به عنوان هیئت‌های مشاوره برای مسائل اجتماعی یا توسعه در برنامه‌ریزی، در حمایت از مدیریت شهری، در طراحی اپلیکیشن‌های جدید یا از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی) در حمایت از فرآیند هوشمندسازی باشد. ادبیات اختصاص یافته به مشارکت عمومی در زمینه توسعه پایدار شهری معمولاً شامل عناصر منتخبی از حوزه‌های توسعه پایدار (عدالت اجتماعی، توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست، حکمرانی شهری) است. ماتائور و هافمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «نوآوری فناوری و توسعه کارآفرینی پایدار در نیجریه: ارزیابی تأثیر ذینفعان در نیجریه مرکزی» مطرح نمودند که نوآوری فناوری بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارد و نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که توسعه کارآفرینی می‌تواند بر نوآوری فناوری نیز تأثیر بگذارد.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش‌روی از نوع پژوهش‌های کیفی است، و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بوده است. انجام مصاحبه‌ها تا رسیدن به حد اشباع نظری انجام ادامه داشته است. این مهم با انجام ۲۰ مصاحبه محقق شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، سیاستگذاران و مدیران سازمانی و نهادی در شهر تهران بوده‌اند که در حوزه مهارت‌آموزی و کارآفرینی صاحب نظر بوده‌اند. در شکل زیر مراحل انجام تحقیق ارائه شده است:

<sup>۱</sup>. Bednarska-Olejniczak  
<sup>۲</sup>. Mathauer & Hofmann



شکل (۱) چارچوب اجرایی پژوهش

### یافته‌ها

در ادامه مراحل کد گذاری با نرم افزار MAXQDA2020 ارائه شده است :  
 بر این اساس مشارکت ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی در توسعه کارآفرینی پایدار شامل «مولفه های چالش ساز در مشارکت ذینفعان»، «مکانیزم های موثر بر مشارکت ذینفعان»، «مکانیزمهای پیشران»، «الزام و ضرورت ها» و پیامدهای متصور جهت توسعه کارآفرینی پایدار نیز مشخص شده است.

جدول (۲) کد گذاری داده ها بر اساس روش تحلیل محتوی کیفی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	نقل قول
فرایند مشارکت ذینفعان	مشارکت ذینفعان	سازمانها و نهادهای دولتی	همسویی سازمانها و نهادهای دولتی همچون سازمان فنی و حرفه ای کشور به توسعه مهارت آموزی ، جهت توسعه کارآفرینی پایدار کمک می کند .
		بخش خصوصی و تاثیرگذار	دولت ها و نهادهای قانونگذار با تنظیم و تدوین قوانین نهادی جهت تاثیر گذاری بخش خصوصی در مهارت افزایی عموم جامعه مثر ثمر هستند .

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	نقل قول		
مؤلفه های چالش ساز در مشارکت ذینفعان	مدریان و کارکنان سازمان	مدریان و کارکنان سازمان	مدریان و کارکنان کارآزموده می توانند در همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، جهت توسعه ی کارآفرینی پایدار نقش مهمی را ایفا کنند .		
			مشتریان	تشخیص نیاز مشتریان به منظور توسعه کارآفرینی پایدار مهم است	
				مربیان و گروه آموزشی	برای دستیابی به کارآفرینی پایدار لازم است کلیه ذینفعان اعم از مربیان و گروه آموزشی، نهادها و مشتریان با هم همسو باشند.
	علاقتمندی به پروژه	تضادها و ائتلاف های احتمالی	تضادها و ائتلاف های احتمالی	یکی از مولفه هایی که در مشارکت ذینفعان ممن است چالش ساز باشد، میزان علاقمندی هر یک از ذینفعان به پروژه است.	
				دسترسی به منابع	گاهی تضادها و ائتلاف های ذینفعان ممکن از مشکلاتی برای پروژه ایجاد نماید .
				نفوذ سیاسی	هریک از ذینفعان دسترسی یسان به نابع ندارند .
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
				میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.	
مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	میزان درگیری هریک از ذینفعان می تواند به عنوان فرصت یا تهدید مطرح شود.		
			مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	
			مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	
تکنیک مشارکت	تکنیک مشارکت	تکنیک مشارکت	مقیاس نفوذ		
			مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	
میزان مشارکت	میزان مشارکت	میزان مشارکت	مقیاس نفوذ		
			مقیاس نفوذ	مقیاس نفوذ	

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	نقل قول
	مکانیزم های موثر بر مشارکت ذینفعان	مکانیزم های شناسایی ذینفعان	به منظور توسعه کارآفرینی پایدار لازم است مکانیزم های شناسایی ذینفعان قبل از مشارکت مشخص شود.
		مکانیزم های جذب و مشارکت ذینفعان	سازوکارهای جذب و مشارکت ذینفعان در همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، حائز اهمیت است.
		مکانیزم های هماهنگی و پویای ذینفعان	به منظور توسعه کارآفرینی پایدار لازم است مکانیزم های هماهنگی و پویای ذینفعان مشخص شود.
		مکانیزم های پایش ذینفعان	یکی از راه های تحقق همسویی ذینفعان نهادی جهت مهارت افزایی، دستیابی به مکانیزم های پایش ذینفعان است.
مکانیزم های پیشران در مشارکت ذینفعان	مکانیزم های سیاسی	مکانیزم های سیاسی یکی از پیشران ها در مشارکت ذینفعان به منظور توسعه کارآفرینی پایدار است.	
	مکانیزم های مالی	مکانیزم های مالی در همسویی ذینفعان نهادی مهم است.	
	مکانیزم بازار	سازوکارهای مربوط به بازار به منظور توسعه کارآفرینی پایدار خلق ارزش افزوده را برای ذینفعان کلیدی به همراه دارد.	
	مکانیزم فرهنگی	همسویی فرهنگی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، از طریق ترسیم چشم انداز سازوکارهای فرهنگی قابل حصول است.	
	مکانیزم نیروی انسانی	همسویی نیروی انسانی از بخش های مختلف مربوط به ذینفعان کلیدی برای توسعه کارآفرینی پایدار یک الزام است.	
	مکانیزم پشتیبانی	پشتیبانی و حمایت ذینفعان جهت مهارت افزایی زمینه ی دستیابی به توسعه کارآفرینی پایدار را ایجاد می کند.	
	الزام و ضرورت ها مربوط به	الزام و ضرورت ها مربوط به بازار	تشخیص نیز بازار یکی از الزامات مهم در مشارکت ذینفعان به منظور توسعه کارآفرینی پایدار است.
الزام و ضرورت های فرهنگی		لازمه ی مشارکت ذینفعان به منظور توسعه کارآفرینی پایدار، همسویی فرهنگی است	

انتخابی کد	کد محوری	کد باز	نقل قول
	مشارکت ذینفعان	الزام و ضرورت های مالی	برای توسعه کارآفرینی پایدار لازم است هریک از ذینفعان منابع مالی مشخصی را به اشتراک بگذارند.
		الزام و ضرورت ها ی سیاسی	الزام و ضرورت های سیاسی همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، ایجاب می کند.
		حمایتگری و پشتیبانی	نهاد حاکمیتی می تواند به عنوان حامی و پشتیبان نقش تسهیلگری را جهت همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، بازی کند.
		الزام و ضرورت ها مربوط به نیروی انسانی	توانمندسازی منابع انسانی یک ضرورت برای دستیابی به توسعه کارآفرینی پایدار است.
پیامدهای توسعه کارآفرینی پایدار	پیامدهای کارآفرینانه		همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، موجب ترویج فرهنگ و نگرش کارآفرینانه و در نتیجه توسعه کارآفرینی است.
	پیامدهای اجتماعی		توسعه کارآفرینی پایدار پیامدهایی چون بهبود شرایط اجتماعی را به همراه دارد.
	پیامدهای اقتصادی		همسویی ذینفعان نهادی با هدف مهارت افزایی، موجب توسعه ی کارآفرینی است که پیامدهای مثبت اقتصادی به همراه دارد.

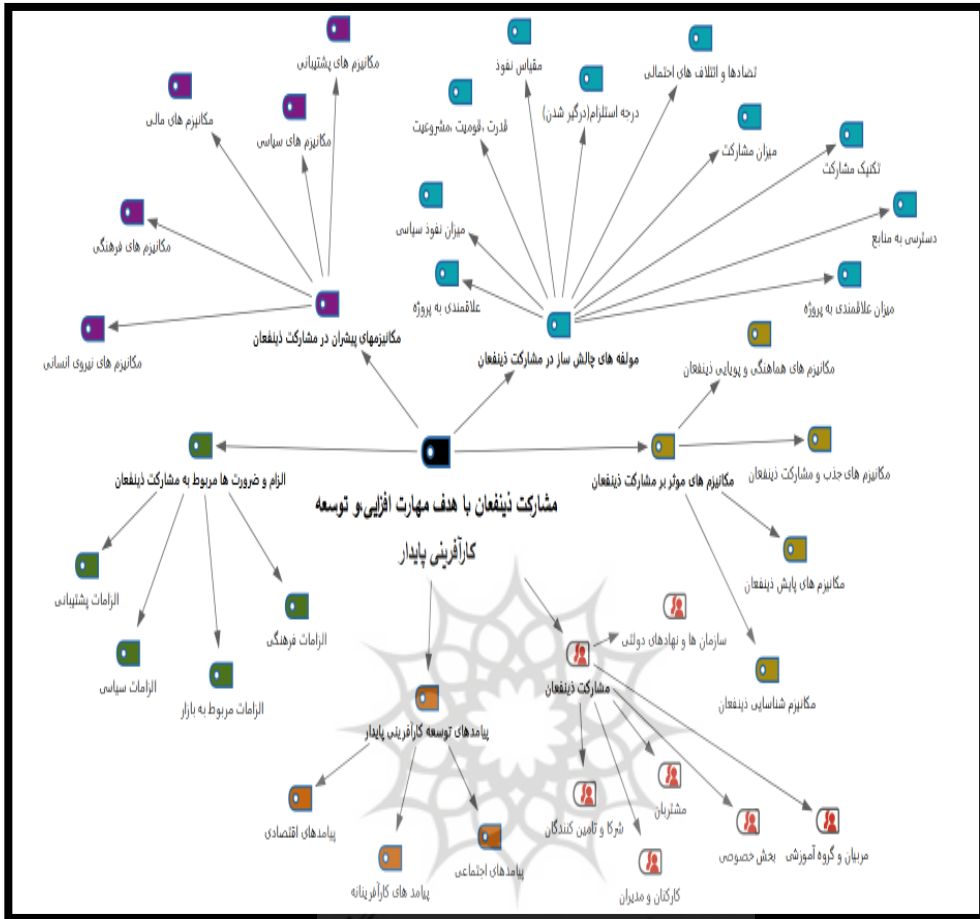
بر اساس نتایج کد گذاری در نرم افزار MAXQDA2020 مولفه ها در قالب نمودار ابروی ارائه می شود :



شکل ( ۲ ) نمودار ابری، خروجی نرم افزار MAXQDA2020

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

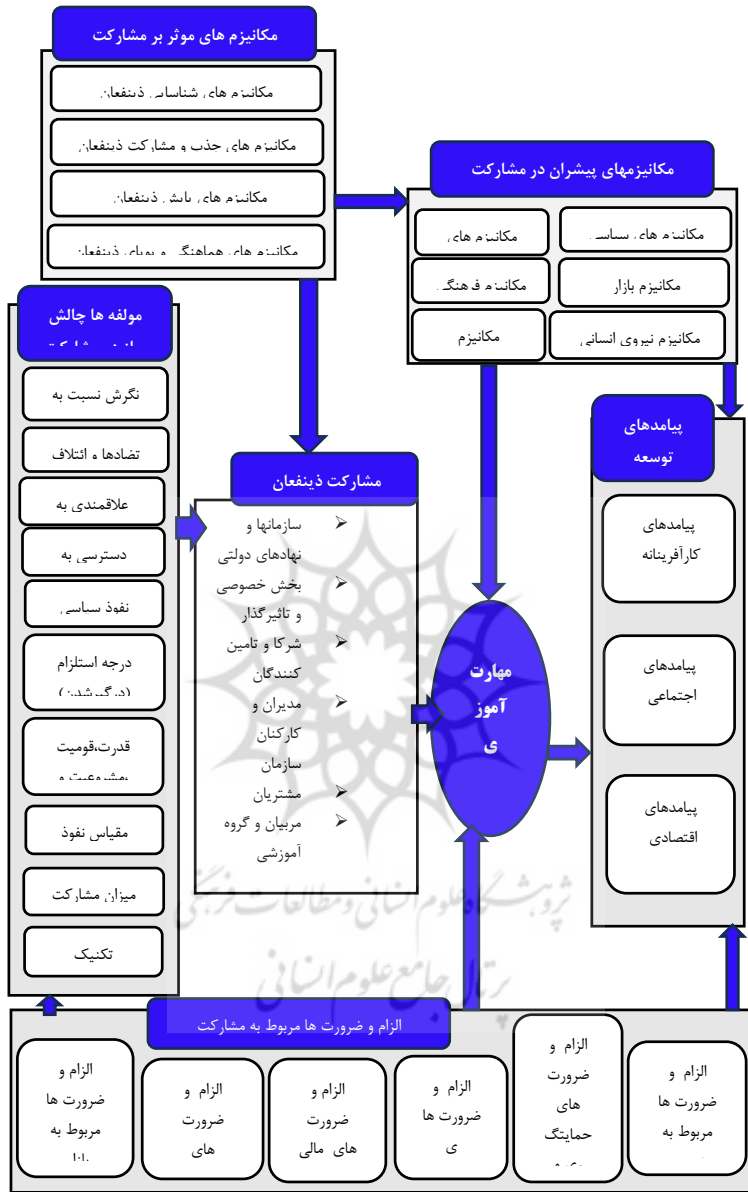




شکل (۳) کد گذاری نهایی، خروجی نرم افزار MAXQDA2020

پرتال جامع علوم انسانی

در شکل (۴) الگوی پژوهش منتج از تحلیل کیفی ارائه می شود:



شکل (۴) الگوی نهایی پژوهش

## بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات نشان می‌دهد که ضعف یا عدم مدیریت ذینفعان می‌تواند برای استارت‌آپ‌های و کسب و کارها مخرب بوده و مشکلاتی مانند اختلاف و تضاد با جامعه، پیچیده شدن فرآیند تصمیم‌گیری‌ها در پروژه‌ها، بروز تاخیرات و افزایش هزینه‌های پروژه، خدشه دار شدن اعتبار و سابقه افراد و شرکت‌های حاضر در پروژه و مشکل در اولویت‌بندی و پاسخگویی به مطالبات ذینفعان را بوجود آورد. نتایج الگوهای قبلی نشان داده است مشارکت ذینفعان کلیدی بر توسعه‌ی مناطق موثر بوده و پیامد‌های مثبتی را به همراه خواهد داشت. در این راستا نقش نهادها، رسانه فرهنگ و جامعه‌ی مدنی حائز اهمیت است (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰) بر اساس نتایج تحقیق حاضر مشخص شده است؛ کاوش مشارکت ذینفعان در کارآفرینی پایدار مغفول مانده و برنامه‌ریزی دقیقی جهت ایجاد آمادگی در فرایند مشارکت ذینفعان در توسعه کارآفرینی پایدار وجود نداشته است. بر این اساس نتایج تحقیق حاضر می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در سطح کلان کشور ایجاد نماید. از آنجا که شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه به منظور توسعه کارآفرینی پایدار نیازمند کسب مهارت‌های مختلف است؛ نقش مهارت‌آموزی در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه مثمر ثمر است از طرفی همسویی مشارکت‌کنندگان و ذینفعان کلیدی می‌تواند نتایج ارزشمندی برای کشور به همراه داشته باشد از این رو، این پژوهش در صدد ارائه مدل مشارکت ذینفعان برای گسترش مهارت‌آموزی به منظور توسعه کارآفرینی پایدار در زمینه استارت‌آپ‌های و کسب و کارهاست. شواهد تجربی متعدد و مطالعات اکتشافی این پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به مشارکت و هماهنگی ذینفعان در این بستر به میزان زیادی وجود دارد. بعلاوه الگوی نهایی مشارکت ذینفعان نهادی با هدف مهارت‌افزایی در توسعه کارآفرینی پایدار شامل «مولفه‌های چالش‌ساز در مشارکت ذینفعان»، «مکانیزم‌های موثر بر مشارکت ذینفعان»، «مکانیزم‌های پیشران»، «الزام و ضرورت‌ها» و پیامدهای متصور جهت توسعه کارآفرینی پایدار نیز مشخص شده است. امید است این نتایج بینش‌های ارزشمندی در رابطه با ارائه الگویی یکپارچه برای مشارکت ذینفعان برای توسعه کارآفرینی پایدار در محیط اکوسیستم کارآفرینی ایران ارائه نماید.

بر اساس نتایج حاصل پیشنهادهای کاربردی می‌گردد:

### پیشنهادهای کاربردی

بطور کلی بنظر می‌رسد مشارکت ذینفعان در جهت توسعه کارآفرینی پایدار مستلزم ایجاد چرخه‌ای از شناسایی ذینفعان در سطوح مختلف اکوسیستم کارآفرینانه کشور و سپس برقراری الزامات و زیرساخت‌های لازم جهت گسترش پیامدهای این نوع مشارکت در جامعه می‌باشد. لذا، پیشنهاد می‌شود مشارکت‌های ذینفعان در موارد زیر جهت رفع مشکلات در نظر گرفته شود:

\* اولین و مهم‌ترین مکانیزم آمادگی و توسعه زیست بوم در راستای مشارکت ذینفعان مربوط به بعد سیاست‌های حمایتی می‌باشد. لذا برقراری و تعریف قوانین و دستورالعمل‌هایی که برنامه‌های حمایتی جهت تشویق کارآفرینان پایدار حوزه بازیافت می‌بایست صورت گیرد. نقش دولت در ایجاد قوانین مشوق کارآفرینی پایدار و زمینه‌سازی مشارکت ذینفعان با اهمیت است.

\* پیشنهاد می‌شود ذینفعان کلیدی از طریق رسانه‌های عمومی و فضای مجازی زمینه افزایش مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت پسماندهای شهری را فراهم آورند.

\* مشارکت ذینفعان همچنین مستلزم حمایت‌های مالی از سرمایه‌گذاری خطرپذیر است. در این مورد تسهیل‌سازی مراحل اولیه راه‌اندازی و توسعه کسب و کارهای پایدار این حوزه از منظر مالی می‌بایست مورد حمایت قرار گیرد. ارائه آموزش‌های لازم و توسعه مهارت‌آموزی در این رابطه نیز می‌تواند به توسعه کسب و کارها کمک نماید.

\* فراهم‌آوری اقدامات پشتیبانی جهت تسهیل ورود کارآفرینان پایدار به بازار و توانمندسازی آنها (آموزش و ترویج فرهنگ پایداری) از الزامات مهم توسعه کارآفرینی پایدار در این حوزه می‌باشد. نقش ذینفعان و به‌طور خاص سازمان فنی و حرفه‌ای کشور در فراهم‌سازی این بستر حمایتی از طریق مراکز رشد و مراکز دانشگاهی و پژوهش‌بویتزه در زمینه اقدامات مربوط به فرهنگ‌سازی پایداری زیست‌محیطی می‌تواند توسعه داده شود.

- \* فرایند مشارکت ذینفعان در راستای توسعه کارآفرینی پایدار با ارتقای آگاهی عمومی و مشوق‌ها برای ذینفعان می‌تواند به مدیریت و گسترش تولید در کشور کمک نماید. در این رابطه پیشنهاد می‌شود که ذینفعان با سرمایه‌گذاری مجدد از محل درآمدهای به توسعه‌ی بیش از پیش کارآفرینی پایدار کمک کنند.
- \* سنجش و پایش مشارکت ذینفعان می‌تواند به مدیران و سیاستگذاران جهت تعریف یا بازتعریف راهبردهای لازم به منظور تقویت مشارکت ذینفعان کمک کند بر این اساس پایش مستمر فرایندها پیشنهاد می‌گردد.

### پیشنهادها جهت تحقیقات آتی

- \* پیشنهاد می‌شود الگوی احصا شده در مطالعه حاضر در مطالعه‌ی جداگانه به صورت کمی توسط محققان مورد آزمون قرار بگیرد.
- \* این الگو در زمینه شهر تهران صورت گرفته شده است. اینکه چقدر این چارچوب قابل تعمیم به سایر شهرهای دیگر است، مسیری است که می‌تواند در پژوهش آتی مدنظر قرار گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود این مطالعه در شهرها، کشورها و صنایع و حوزه‌های کسب و کار متفاوت صورت بگیرد تا بتوان نتایج مطالعات را با یکدیگر مقایسه نمود.
- \* همچنین، پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مطالعه حاضر با تمرکز بر زمینه و اکوسیستم کارآفرینی در کشور صورت گرفته است، محققان در مطالعات آتی به بررسی این موضوع بپردازند که چه عاملانی می‌توانند از چنین بستری استفاده کارآمدتری نمایند و در نتیجه بتوانند کنش کارآفرینانه اثربخش‌تری داشته باشند.

## منابع

۱. بختیاری، مرضیه، موسی خانی، مرتضی، الوانی، سیدمهدی، & حسینی، سید رسول. (۱۴۰۰). ارائه الگوی توسعه کارآفرینی دانشگاهی نوآور محور با تأکید بر مزیت‌های منطقه‌ای مبتنی بر روش فراترکیب. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۱(۱)، ۱۳۵-۱۶۰.
۲. حسینی نیا غلامحسین، بختیاری مرضیه. (۱۴۰۲) ارائه الگوی راهبردی جامع آموزش های فنی و حرفه ای یک پژوهش چند روشی. مهارت آموزی. ۱۴۰۲؛ ۱۱ (۴۳): ۲۲-۷
۳. سخدری، کمال و بختیاری، مرضیه، ۱۳۹۷، نقش نهادها در نهادینه سازی رویدادهای کارآفرینی در کشورهای کمتر توسعه یافته، پنجمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، <https://civilica.com/doc/784893>
۴. سلیمانی عطیه، یعقوبی فرانی احمد، کریمی سعید (۱۴۰۰) طراحی مدل توسعه کارآفرینی پایدار درکسب و کارهای نواحی روستایی همدان، اقتصاد فضا و توسعه روستایی سال دهم تابستان ۱۴۰۰ شماره ۲ (پیاپی ۳۶)
۵. محسنی ارمکی، سمانه سادات، خرم نژادیان، شهرزاد، عاصمی زواره، سعید رضا، بهبهانی نیا، آزیتا. (۱۴۰۰). شناسایی ذینفعان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مدیریت پسماند (مطالعه کیفی). مطالعات علوم محیط زیست. ۶ (۳). ۴۰۶۰-۴۰۴۹.
۶. Aprilia, A., Tezuka, T., & Spaargaren, G. (2013). Inorganic and hazardous solid waste management: Current status and challenges for Indonesia. *Procedia Environmental Sciences*, 17, 640-647.
۷. Belz, F. M., & Binder, J. K. (2017). Sustainable entrepreneurship: A convergent process model. *Business Strategy and the Environment*, 26(1), 1-17.
۸. Bednarska-Olejniczak, D., Olejniczak, J., & Svobodová, L. (2019). Towards a smart and sustainable city with the involvement of public participation—The case of Wroclaw. *Sustainability*, 11(2), 332.
۹. Crals, E., & Vereeck, L. (2005). The affordability of sustainable entrepreneurship certification for SMEs. *The International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 12(2), 173-183.
۱۰. Cohen, B., & Winn, M. I. (2007). Market imperfections, opportunity and sustainable entrepreneurship. *Journal of business venturing*, 22(1), 29-49.
۱۱. Dean, T. J., & McMullen, J. S. (2007). Toward a theory of sustainable entrepreneurship: Reducing environmental degradation through entrepreneurial action. *Journal of business venturing*, 22(1), 50-76.

۱۲. Domínguez-Gómez, J. A., & González-Gómez, T. (2017). Analysing stakeholders' perceptions of golf-course-based tourism: A proposal for developing sustainable tourism projects. *Tourism Management*, 63, 135-143.
۱۳. De Clercq, D., & Voronov, M. (2011). Sustainability in entrepreneurship: A tale of two logics. *International Small Business Journal*, 29(4), 322-344.
۱۴. Googins, B., & Escudero, M. (2013). Entrepreneurship: Introducing shared innovation into the business model. In *Sustainable entrepreneurship: Business success through sustainability* (pp. 117-126). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
۱۵. Shepherd, D. A., & Patzelt, H. (2011). The new field of sustainable entrepreneurship: Studying entrepreneurial action linking "what is to be sustained" with "what is to be developed". *Entrepreneurship theory and practice*, 35(1), 137-163.
۱۶. Szekely, F., & Strebler, H. (2013). Incremental, radical and game-changing: strategic innovation for sustainability. *Corporate governance*.
۱۷. Lawal, F. A., Worlu, R. E., & Ayoade, O. E. (2016). Critical success factors for sustainable entrepreneurship in SMEs: Nigerian perspective. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(3 S1), 338.
۱۸. Lans, T., Blok, V., & Wesselink, R. (2014). Learning apart and together: towards an integrated competence framework for sustainable entrepreneurship in higher education. *Journal of Cleaner Production*, 62, 37-47.
۱۹. Muñoz, P., & Dimov, D. (2015). The call of the whole in understanding the development of sustainable ventures. *Journal of Business Venturing*, 30(4), 632-654.
۲۰. Mathauer, M., & Hofmann, E. (2019). Technology adoption by logistics service providers. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*.
۲۱. KATSIKIS, I. N., & KYRGIDOU, L. P. (2007, August). THE CONCEPT OF SUSTAINABLE ENTREPRENEURSHIP: A CONCEPTUAL FRAMEWORK AND EMPIRICAL ANALYSIS. In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 2007, No. 1, pp. 1-6). Briarcliff Manor, NY 10510: Academy of Management.
۲۲. Sołtysik, M., Urbaniec, M., & Wojnarowska, M. (2019). Innovation for sustainable entrepreneurship: Empirical evidence from the bioeconomy sector in Poland. *Administrative Sciences*, 9(3), 50.

۲۳. Sarkar, M. S. K., Al-Amin, A. Q., & Filho, W. L. (2019). Revisiting the social cost of carbon after INDC implementation in Malaysia: 2050. *Environmental Science and Pollution Research*, 26, 6000-6013.
۲۴. Schaltegger, S., & Wagner, M. (2011). Sustainable entrepreneurship and sustainability innovation: categories and interactions. *Business strategy and the environment*, 20(4), 222-237.
۲۵. Terán-Yépez, E., Marín-Carrillo, G. M., del Pilar Casado-Belmonte, M., & de las Mercedes Capobianco-Uriarte, M. (2020). Sustainable entrepreneurship: Review of its evolution and new trends. *Journal of Cleaner Production*, 252, 119742.

